

مدیریت ورزشی _ زمستان ۱۴۰۰
دوره ۱۳، شماره ۴، ص: ۱۳۷۹-۱۳۵۷
نوع مقاله: علمی - پژوهشی
تاریخ دریافت: ۰۳ / ۰۶ / ۹۹
تاریخ پذیرش: ۰۴ / ۰۹ / ۹۹

پهلوانان ایران از دیروز تا امروز

مصطفی پیرمردیان^۱ - پروین حقی^{۲*}

۱. دانشیار، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. ۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد،

تاریخ تشیع، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

چکیده

فرهنگ پهلوانی از غنی‌ترین و پربرترین سرمایه‌های ملی ایران است. این فرهنگ اصیل ایرانی - اسلامی طی دوره‌های متعدد تاریخی پهلوانان بزرگی را تربیت کرده و به جامعه ایرانی تحویل داده است. هدف اصلی این پژوهش معرفی پهلوانان ایرانی از دوران باستان تا دوره انقلاب اسلامی در ایران و بررسی سیر تحول و دگرگونی این فرهنگ و سردمداران آن یعنی پهلوانان است. فرض ما بر این است که آنچه موجب پایداری این فرهنگ غنی شده، مفاهیم مورد توجه آن یعنی درستکاری، تقویت جسم و روح، خصایل نیک و از همه مهم‌تر غلبه روح جوانمردی بر آن به پیروی از پیشوای ایرانیان مسلمان یعنی حضرت علی(ع) است. از این‌رو در این مقاله با تکیه بر مطالعات تاریخی در پی معرفی مفاهیم والای اخلاقی در فرهنگ پهلوانی و نمایندگان این فرهنگ یعنی پهلوانان این مرز و بوم در طی دوران باستان و دوران ایران اسلامی هستیم. این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی و بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای سعی در تحلیل یافته‌ها با روش روایی و تاریخ‌گونه داشته است. آنچه حاصل شده شناسایی ارتباط این فرهنگ با مفاهیم ملی و مذهبی مورد توجه ما به‌ویژه ارتباط پهلوانان ایرانی با پیشوای عالم تشیع، حضرت علی(ع) است که ایشان را به الگوی پایدار پهلوانان ایرانی مبدل ساخته است. از این‌رو مهم‌ترین یافته پژوهش این است که آیین عیاری که از دوران باستان در ایران وجود داشته، پس از ورود اسلام به ایران با مذهب تشیع به‌ویژه شخصیت ممتاز حضرت علی(ع) که برجسته‌ترین خصلت‌های جوانمردی را دارا بودند، پیوند برقرار کرده و در آمیزش با آن تقویت شده و تا به امروز رشد و گسترش یافته است.

واژه‌های کلیدی

پهلوان، علی(ع)، فرهنگ، مذهب، ملیت.

مقدمه

«پهلوان کسی را می‌گویند که شجاع و دلاور و دلیر و پردل باشد و نیرومندی را با سجایای اخلاقی توأم سازد» (۱)؛ افرادی که نشانه‌های حضور آنها را از دوره باستان در ایران مشاهده می‌کنیم که طی زمان رشد کرده و پرورش یافته‌اند. آرمان همه این گروه‌ها به‌طور تقریبی مشترک بوده و تفاوت آنها در ساختار و قواعد اجرایی اهدافشان است که موجب شده تا هر کدام اصول و قواعد ویژه و مخصوص برای خود و پیروانشان تعریف کنند. در واقع می‌توان همه آنها را یک گروه با عناوین مختلف در نظر گرفت که آرمان و هدف واحدی (جوانمردی) آنها را به یکدیگر پیوند داده است؛ افرادی که در کنار تقویت جسم، ایمان خود را نیز تقویت می‌کنند. بدین سبب افرادی باایمان، باگذشت، جوانمرد و بااخلاق پرورش می‌یابند و با مورد توجه قرار دادن دستورهای الهی و الگو قرار دادن پیشوایان دین و قهرمانان ملی، فرهنگ پهلوانی را به فرهنگی متعالی و مذهبی تبدیل می‌کنند.

پیشینه پژوهش

در خصوص موضوع پهلوانی پژوهش‌های متعددی انجام گرفته است. یزدی (۱۳۹۰) (۲) در مقاله‌ای به نقش و اهمیت جوانمردی و پهلوانی در ایران پرداخته است. این موضوع را صرفاً در دوره صفوی بررسی کرده و به پهلوانان دیگر دوره‌های تاریخی کشور پرداخته است. افزون بر این در خصوص وجوه دیگر این موضوع یعنی عیاری که می‌توان آن را از شکل‌های متنوع و گسترده فرهنگ پهلوانی در دوره‌های پیش قلمداد کرد و لوطی و لوطی‌گری که به‌ویژه در دوره حکومت قاجار رونق یافت، پژوهش‌های متعددی از جمله درباره عیاران توسط حسام‌پور (۱۳۸۴) (۳)، صبوری زالو آبی (۱۳۹۱) (۴) و در مورد لوطیان توسط جوادی یگانه و آقایی (۱۳۹۰) (۵) و بلوکباشی (۱۳۸۳) (۶) انجام گرفته است که همه آنها به سبب موضوع خود به یک دوره و تنها به یک جنبه از فرهنگ پهلوانی پرداخته‌اند، در حالی که در پژوهش حاضر آثاری که همه آنها به نوعی به موضوع پهلوانی مربوط می‌شوند، مطالعه شده و گزارش‌های پیش رو از منابع تاریخی، تذکره‌های ادبی، سفرنامه‌ها، کتاب‌های منظوم ادبی و سرگذشت‌نامه‌های پهلوانان ایران انتخاب شده است و با روش توصیفی تحلیلی سعی در شناسایی ریشه‌های این فرهنگ در ایران و معرفی نمایندگان راستین آن طی دوره‌های متعدد شده است.

فرهنگ پهلوانی در دوره ایران باستان

فرهنگ پهلوانی از بنیان‌های اجتماعی در تمدن ایرانی محسوب می‌شود. ایرانیان به سبب حفاظت از زندگی خانوادگی و قومی و ملی در برابر تجاوزات بیگانگان، برای ورزش و آمادگی دفاعی اهمیت زیادی

قائل بودند. پهلوانان ایرانی همیشه از خداوند، خواستار نیرو و تندرستی بودند تا بتوانند دشمنان را شکست دهند (۷). آنها فرزندان خود را از پنج تا بیست سالگی، ورزش‌های تیراندازی و اسب‌سواری می‌آموختند و از آنجا که در کنار توجه به پرورش جوانان به دلاوری و جنگاوری و آزادگی، به تهذیب اخلاقی و درستی و راستی آنها نیز توجه می‌کردند، در کنار تربیت‌های جسمی، فضایل اخلاقی از جمله راستگویی را نیز به فرزندان خود می‌آموختند (۸). ورزش‌های جسمی از جمله راه‌پیمایی، اسب‌سواری، تیراندازی، شنا، پرتاب نیزه، شمشیرزنی، چوگان و کشتی و تربیت روحی جوانان از جمله تحمل خستگی، گرما، سرما و کم‌خوابی، تسلط بر خویش هنگام غضب بر دشمن ضعیف و شکست‌خورده، دوری از کینه‌جویی و انتقام و پایمردی در عدالت و آسایش و عفو، از برنامه‌های مورد توجه ایرانیان به‌منظور تربیت جسمی و روحی جوانان ایرانی بود (۹). حفاظت از منطقه و تعقیب دزدان و این قبیل امور که محتاج چابکی و نیرومندی است، از وظایف پهلوانان بود، از این‌رو نیرومندی جسم جزو ملزومات زندگی محسوب می‌شد (۱۰).

از توجه به این حقایق می‌توان دریافت که ورزش و پهلوانی نزد ایرانیان باستان مفهومی فراتر از فعالیت ساه ورزشی داشت و هدف اصلی، رسیدن به اهداف والای ملی و میهنی بوده است. دلاوری و سلحشوری و آموزش آن برای هرگونه مبارزه با مظاهر اهریمن نزد مردم ایران از اهمیت بسیاری برخوردار بود (۱۱). در مینوخرد بند ۳۰-۲۹ در خصوص کار و کوشش و دوری از تنبلی و کاهلی توصیه شده است (۱۲). در نیایش ۵-۵۲ نیز از پیشگاه اهورامزدا طلب داشتن فرزندان با تربیت و دانا شده است که بتوانند در ترقی و سعادت خانواده و شهر و مملکت خویش کوشا باشند (۱۳). توجه به این قبیل مفاهیم و باورهای اعتقادی در تمام دوران زندگی ایرانیان نقش مهمی داشته است. چنانکه در اشعار تاریخی شاهنامه فردوسی (۴۱۱-۳۲۹ق) ملاحظه می‌شود که پهلوانان در آموزشگاه هنرهای رستم درس پهلوانی و جوانمردی می‌آموختند تا در میدان‌های جنگ و زندگی خوش بدرخشند (۱۴). سیاوش پهلوان نامدار ایرانی یکی از مراحل مهم زندگی‌اش آموزش آیین رزم نزد رستم بود و همیشه خواستار تربیت و پرورش جسمی و روحی خویش بوده است (۱۵). حکیم ابوالقاسم فردوسی که اساطیر و داستان‌های ایران باستان را به نظم کشیده است، از دیرباز مورد توجه عموم مردم بوده است و سروده‌های حماسی او در شاهنامه در مراسم مختلف بازگو می‌شود (۱۶). یکی از رموز جاودانگی این اثر، حماسی بودن آن است که رفتار و کردار پهلوانان ملی و رویدادهای قهرمانی آنها را به نظم کشیده است. جهان‌پهلوانان این حماسه ملی منظوم، رستم و اسفندیار، گیو و سهراب، بیژن و فریدون، سیاوش و فرود هستند که فردوسی دلاوری‌ها و جوانمردی‌های آنها را ستوده است. پهلوانانی که دلیری و زیرکی و برخوردار از روحیه جنگاوری از خصایص بارز آنهاست و

سرآمد آنها رستم پهلوان اول شاهنامه و حماسه ملی ایران است که نیروی جسمی و روحی او بر همه پیشامدها غالب می‌آید. از ویژگی‌های جسمانی و زورمندی بدنی او که بگذریم، مهم‌ترین خصیصه‌ای که نام او را ماندگار کرده است، نیروی اعتقاد او به خدای تواناست که در هر پیشامد و واقعه‌ای از یاد او غافل نمی‌شد و همواره از خداوند مدد می‌جست «وی از جانب خدا، خود را دارای مأموریتی برای دفاع از نیکی می‌داند» (۱۵).

ایاران (عیاران) ایرانی در دوره ایران باستان

به‌دنبال ریشه‌های فرهنگ پهلوانی در ایران باستان به گروه‌هایی تحت عنوان عیار برمی‌خوریم، گروه‌هایی که از طبقه ثروتمندان می‌دزیدند و به قشر ضعیف کمک می‌کردند و مفهوم شجاعت و دلیری از یک سو و جوانمردی از دیگر سو از منش آنها اتخاذ می‌شود، چراکه دزدی و راهزنی مستلزم تندی و چالاکی است و اتخاذ چنین روشی به‌منظور کمک به ناتوانان و بینوایان نشان از جوانمردی شخص کمک‌دهنده دارد. در نامه ۴۴ قابوس‌نامه در آیین جوانمردپیشگی، دلیری، پاکدامنی و راستگویی، یاری رساندن به بیچارگان و ناتوانان و صبر و شکیبایی از جوانمردی‌های یک عیار خوانده شده است (۱۷).

ریشه نام عیار به واژه ایار (یار) در زبان پهلوی برمی‌گردد و همان معنی یار را می‌دهد که در زبان عربی عیار خوانده شده است (۱۸). محمدجعفر محجوب با شرح و توصیف صحنه‌های عیاری در شاهنامه و حوادثی که به کارهای عیاران شباهت دارد، پیشینه عیاری در ایران را به زمان پیش از اسلام می‌رساند (۱۹). در اخبار مربوط به تصرف سرزمین یمن در زمان پادشاهی خسرو انوشیروان ساسانی به این افراد برمی‌خوریم که برای جنگ‌ها به کار می‌رفتند، فردی به نام وهرز از نیروهایی بود که انوشیروان او را برای تصرف سرزمین یمن همراه سیف بن ذی یزن فرمانده سپاه فرستاد، پیش از آن از زندانیان دستگاه پادشاهی بود که به‌علت ایجاد ناامنی در راه‌ها دستگیر شده بود، اما به‌سبب دلآوری و شجاعت، انوشیروان او را بدین منظور آزاد کرد (۲۰). با توجه به اینکه عیاران بیشتر در مواقعی ظاهر می‌شدند که مملکت دچار هرج و مرج شده و این دسته از افراد به‌منظور ایجاد نوعی تساوی و عدالت در بین مردم با زور و بدون رعایت نظم و ترتیب مملکت در قالب گروه‌هایی به‌وجود می‌آمدند و فعالیت می‌کردند (۲۱). از این رو می‌توان این پدیده را برای تمام دوره‌های تاریخی کشور در نظر گرفت، چراکه قطعاً در هر دوره‌ای ناملامتی و ناعدالتی وجود داشته و پیرو آن بی‌شک گروه‌هایی که از توان بیشتری برخوردار بودند، با انگیزه نوع‌دوستی و کمک و یاری به دیگری و برای از بین بردن ستمگری‌ها و یاری رساندن به قشر مظلوم و

ناتوان جامعه به وجود آمده‌اند. از این رو می‌توان پیشینه پهلوانی را از دوران باستان در بین گروه‌هایی با این اهداف و آرمان‌ها تلقی کرد.

پهلوانی در دوره ایران اسلامی

توجه به فرهنگ پهلوانی که در کشور ما سابقه‌ای دیرینه داشت و به دوران پیش از اسلام می‌رسید، با ورود اسلام به ایران به سبب همسویی معیارهای آن با تعالیم عالیة اسلامی و تبعیت و پیروی از احکام و فرمان‌های دینی و الگو و سرمشق قرار دادن پیشوایان دین به تدریج از رونق و اعتبار بیشتری برخوردار شد و به لحاظ توجه عمیق به گرایش‌ها و علایق مذهبی استمرار یافت. «اسلام تن و روان نیرومند و متعادل را به عنوان وسیله‌ای سودمند برای نیل به هدف نهایی که جلب رضایت خداست می‌شناسد و ارج می‌نهد. بنابراین هر فعالیتی که جسم و جان آدمی را بانشاط و نیرومند سازد، از نظر اسلام مورد تأیید و پذیرفتنی است» (۲۲). ورزش و تربیت جسمی در اسلام از اعمالی است که باید به گونه‌ای باشد تا انسان‌هایی باتقوا تربیت کند که با نیروی بدنی خود در راه یاری رساندن به مردم مظلوم و خشنودی پروردگار خدمت کنند. شرط این امر پیش از هر چیز پیکار با غرایز و پیروزی بر تمایلات نفسانی است. چنانکه رسول گرامی اسلام (ص) می‌فرمایند: «نستوه آن نیست که بر مردم پیروز شود، بلکه نستوه آن کسی است که بر هوای نفسش پیروز گردد» (۲۳). به همین دلیل بر پهلوانان ماست که با اقتدا به حضرت محمد(ص) و اهل بیت(ع) که خود مظهر بارز روحیه جوانمردی و ایثار و فداکاری بودند، در راه تعالی خود و جامعه خویش بکوشند. از نشان‌های اهمیت سلامت جسم از منظر قرآن و اسلام برخوردارگی کامل فرستادگان الهی از سلامت جسمی و روحی بوده که بیانگر اهمیت این موضوع در زندگی و تربیت افراد است. این مسئله را می‌توان از آیه ۲۴۷ سوره بقره دریافت که در آن خداوند به پیامبر خویش حضرت طالوت و ویژگی‌های مهمی همچون دانش و قدرت جسم را بخشیده است، چنانکه می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلَكَةً مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»؛ او را خداوند برگزید و در دانش و توانایی "فزونی بخشید". در کتاب‌های معتبر اسلامی نیز پیشوایان دین همواره در ادعیه خود نه تنها سلامت و نیرومندی جسمانی را تشویق می‌کردند، بلکه خود در برخی برنامه‌ها شرکت می‌جستند.

- رسول گرامی اسلام(ص) می‌فرمایند: «المؤمن القوي خيرٌ و أحبُّ من المؤمن الضعيف؛ مؤمنی که قوی و نیرومند باشد از مؤمن ضعیف، بهتر و دوست‌داشتنی‌تر است» (۲۴). رسول خدا(ص) نیرومندی قوای بدن را در کنار امر مهم و حیاتی اسلام آوردن یکی از ارکان و پایه‌های شخص مؤمن معرفی می‌کنند

که نشان دهنده جایگاه مهم تقویت و نیرومندی جسم در دین اسلام است. چنانکه می‌فرمایند: «طُوبَى لِمَنْ أَسْلَمَ وَ كَانَ عَيْشُهُ كِفَافاً وَ قَوَاهُ شِدَاداً؛ خوشبختی برای کسی است که آیین اسلام را پذیرفته و درآمدش، مخارج زندگی او را تأمین می‌کند و دارای بدنی توانا و نیرومند است» (۲۵).

- حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «الصَّحَّةُ أَفْضَلُ النَّعْمِ؛ تندرستی و سلامتی از برترین نعمت‌هاست» (۲۶). صحت و سلامتی بدن که حضرت امیرالمؤمنین (ع) آن را از بهترین نعمت‌های الهی می‌شمارد، امری است که در راستای توجه به ورزش حاصل می‌شود. از طرفی جهاد با اموال و جان‌ها که حضرت در نامه ۴۷ نهج‌البلاغه به آن توصیه کرده‌اند، حاکی از اهمیت این موضوع است، چراکه لازمه آن تقویت جسم و بنیه دفاعی است (۲۷). همچنین حضرت امیرالمؤمنین (ع) در دعای کامل از خدای خویش می‌خواهد: «يَا رَبِّ قَوِّ عَلَيَّ خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي؛ ای پروردگرم اعضا و جوارحم را در راه خدمت قوی و نیرومند گردان» (۲۸). این احادیث و روایات که در راستای تعریف برنامه زندگی پیشوایان اسلامی به پیروان خویش است، از اهمیتی که اسلام برای امر تربیت جسمی و روحی قائل است، حکایت می‌کند.

عیاران ایرانی در دوره ایران اسلامی

عیاران که از کهن‌ترین گروه جوانمردان ایرانی‌اند، در سه سده آغازین اسلام در ایران مشهور بودند، پس از آن و در دوره‌های بعدی به تدریج از آوازه آنها با این عنوان کاسته شد، بدین معنا که ویژگی‌ها و خصایل آنها و آرمان‌ها و انگیزه‌هایی که چنین گروه‌هایی را به وجود آورد، همچنان در بین یک قشر مخصوص جامعه پایدار ماند، اما با نام و عنوانی دیگر در تاریخ ایران ظاهر شدند (۲۹). البته ناگفته نماند که در میان این گروه نیز افرادی یافت می‌شدند که از اصل جوانمردی دوری گزیده و منش خود را در راه غارتگری و آشوبگری بین مردم به کار می‌بردند (۳۰). با وجود این روحیه جوانمردی همچنان در بین پهلوانان این مرز و بوم پایدار باقی ماند.

بیشترین گزارش‌ها از گروه‌هایی از این قبیل در منابع ادوار پس از اسلام آمده است و حضور پررنگ آنها را بیشتر در زمان تسلط اعراب مسلمان بر کشور به‌ویژه دوره خلافت بنی‌عباس در میان ایرانیانی می‌بینیم که در برابر دستگاه بیگانه که به نام اسلام اما به کام دولت‌های خودکامه بر کشور تسلط یافته و مانع استقلال کشور شده بود، به وجود آمدند و مخفیانه و به دور از چشم قدرتمندان زمانه و دشمنان خویش مجامع پنهانی تشکیل می‌دادند. نمونه این افراد یعقوب لیث صفاری بود که در این دوره به‌عنوان عیار جوانمرد و پاکدامن با هدف یاری رساندن به طبقات ضعیف جامعه در مقابله با ستم دستگاه حکومتی (خلافت معتمد عباسی) و در راه استقلال کشور به‌پا خاست (۳۱).

پهلوانی در سده‌های هفتم تا نهم هجری قمری

حضور پهلوانان ایرانی هنگام حمله مغول به کشور و مقاومت ایرانیان در برابر دشمن و پس از آن مبارزه پهلوانان ایرانی در برابر حکومت ایلخانی (۳۲) نشان‌دهنده روحیه مبارزه‌جویی در بین این گروه از افراد است.

پوریای ولی

پهلوان محمود خوارزمی معروف به پوریای ولی (وفات ۷۲۲ق) که علاوه بر پهلوانی، شاعری توانا و عارفی دانا بود. از وی دیوانی به نام مثنوی کنز الحقایق بر جای مانده است (۳۳). پوریای ولی مظهر پهلوانی و جوانمردی است و در نظر پهلوانان ایرانی به سبب کرامات و فضایل بسیاری که به او نسبت می‌دهند و حکایاتی که از جوانمردی‌های او گفته شده، از احترام و قداست ویژه‌ای برخوردار است. در مثنوی کنز الحقایق ارادت ویژه او به حضرت محمد(ص) و امیرالمؤمنین علی(ع) را می‌توان مشاهده کرد که از علی(ع) به عنوان بزرگ فقیان و جانشین پیامبر(ص) یاد می‌کند:

«علی بدان که او شیر خدا بود
به علم و دین، زبیر مصطفی بود
از آن او نام نامیش علی بود
که حق را از دل و از جان ولی بود
علی و مصطفی بودند یک نور
علی از مصطفی هرگز نبد دور
چو فرمان آمد آن اولی نبی را
که وقت آمد ولادت ده اخی را
چو شد بر مصطفی ختم نبوت
به او آغاز شد شخص فتوت»
(۳۴)

مدح و ستایش حضرت علی(ع) و الگو قرار دادن ایشان در اعمال عبادی خود که امروزه از مفاهیم اصلی در اخلاقیات پهلوانان ایرانی محسوب می‌شود، در مفاهیم اعتقادی پهلوان محمود خوارزمی که آنها را در اشعار خویش به نظم کشیده مشاهده می‌شود:

«نماز معنوی آن علی بود
چو پیکان بر گشادش مرد از پای
تو هم گر عابدی بگذر ز عادت
که این است ای اخی سر عبادت
برو جان پدر بشنو ز محمود
گر اینش جز حقیقت نیست مقصود»
(۳۳)

منابع تاریخی داستان‌ها و روایات بسیاری از مبارزه‌ها و کشتی‌هایی که پهلوان محمود خوارزمی با افراد مختلف گرفته است، ذکر می‌کنند که نکته مشترک همه آنها روح جوانمردی است که در وجود این پهلوان نامی کشور نهادینه شده است. مشهورترین داستان جوانمردی وی داستان کشتی او با پهلوان هندی بود که با وجود نیروی مضاعف خود در برابر رقیب، به‌منظور به‌دست آوردن دل مادرش و در برابر دعاها و آرزوی او برای پیروزی فرزندش شکست خود در برابر او را متحمل شد. سخن ارزشمندی که در این زمینه از او نقل شده این است که «مقصود ما از کسوت پهلوانی گذشت و جوانمردی است، والا همین زور و چالاکی را جانوران هم دارند» (۳۵). آموزه‌های او که در حقیقت آموزه‌های اصیل اسلامی و توصیه‌های پیامبر(ص) و ائمه(ع) را یادآور می‌شود، در بین پهلوانان ادامه یافت تا به روزگار ما رسید.

در سده هشتم حرفه پهلوانی تحت تأثیر مقتضیات اوضاع آن دوره که هر قسمت از خاک ایران تحت تسلط حکومت‌های خودکامه بود، اعتبار اجتماعی یافت و به‌صورت فعال خود رواج پیدا کرد. این حرفه در سده‌های هشتم و نهم به اوج اعتلای خود رسید. پهلوانان و عیارانی فرزانه از نقاط مختلف برمی‌خاستند و مردم بی‌پناه را تحت حمایت خود می‌گرفتند (۳۶). پهلوان اسد کرمانی، محمد ابوسعید از پهلوانان سلسله سلطان حسین میرزا بایقرا، پهلوان محمد مالانی، درویش محمد از طلاب اثنی‌عشریه و کشتی‌گیری قهار و پهلوان علی روستایی که همگی دارای کمالات و سجایای پهلوانی بودند (۳۷).

سردمداران حکومت سربداران از پهلوانان سده‌های هشتم و نهم هجری قمری

با فروپاشی و انحطاط دولت ایلخانی در ۷۳۶ه.ق هرج و مرج سیاسی کشور را فرا گرفت و سلسله‌های متعدد محلی در ایالات مختلف سر برآوردند. یکی از گروه‌هایی که در این بازه زمانی تحت تعالیم تشیع اثنی‌عشری و مبارزه با ظلم و جور به‌پا خاستند، حکومت سربداران در ناحیه خراسان بود. شیخ خلیفه مازندرانی که از رهبران فکری جنبش سربداران و از علمای تشیع اثنی‌عشری بود، «با اقتفا از ائمه اطهار و خصوصاً امام علی(ع) و امام حسین(ع) که علیه ظلم و ستم رزمیده بودند، مبارزه با فاسقان و فاجران را تبلیغ می‌نمود. بافت تعالیم شیخ خلیفه مازندرانی را تشیع اثنی‌عشری و به‌ویژه اعتقاد به ظهور امام مهدی عجل‌الله تعالی تشکیل می‌داد» (۳۸). سرانجام جنبش سربداران به تشکیل حکومت در ناحیه سبزوار خراسان منجر شد که مؤسس آن پهلوان عبدالرزاق بن فضل‌الله باشتینی (۷۳۸-۷۳۶ه.ق) بود. پس از او برادرش وجیه‌الدین مسعود بن فضل‌الله (۷۳۸-۷۴۵ه.ق) فرمانروایی دولت تازه تأسیس سربداران را به‌دست گرفت (۳۹). شیخ حسن جوری از دیگر پیشوایان مذهبی این نهضت و جانشین شیخ خلیفه مازندرانی با تکیه بر تعالیم تشیع اثنی‌عشری برای رفع ظلم و ستم از سر مسلمین و گسترش عدالت به‌پا خاسته بود و فتوت و جوانمردی از خصوصیات بارز پیروان او بود. «پیروان شیخ حسن یکدیگر را «اخی» صدا می‌کردند

که از اصطلاحات فتیان و جوانمردان این روزگار بود. از عبارت شیخ حسن خطاب به پیروان خود مبنی بر اینکه «آلات حرب بر خود راست کرده و مستعد کارزار گشته» چنین برمی آید که پیروان شیخ حسن مخفیانه به عملیات نظامی و رزمی می پرداختند و خود را آماده جنگ می ساختند» (۴۰). از این رو سرداران را می توان از گروه های پیشرو در حرفه پهلوانی دانست.

به طور کلی در سده نهم پهلوانانی ظهور کردند که جامع جمیع خصال پهلوانی بودند. وجود پهلوانانی همچون پهلوان حسن دیوانه، پهلوان کاتب، پهلوان درویش محمد خراسانی و ... در سده نهم در زمان حکومت تیموریان (۴۱) نشان از رواج نهضت پهلوانی در این دوره دارد. در واقع رها شدن از سلطه بیگانگان و رواج منش جوانمردی از اهدافی بود که توانست پهلوانانی آزاده و بزرگ با خصایل تقوا، جوانمردی، انسان دوستی و وطن پرستی پرورش دهد.

فرهنگ پهلوانی در امتزاج با مذهب تشیع

دولت صفوی با تکیه بر ایدئولوژی شیعی و خاستگاه و فرهنگ ایرانی، توانست یک دولت واحد ایرانی در جغرافیای سرزمینی ایران تأسیس کند که آغازی بر تکوین دولت ملی و احیا و تقویت هویت ایرانی در این سرزمین بود. توجه به رسمیت یافتن یک مذهب واحد و تقویت بنیان های هویت ایرانی به طور توأمان سیاست حکومت تازه تأسیس صفوی بود (۴۲). پس از حمله مغول به جهان اسلام، مذهب اثنی عشری از آزادی بیشتری برخوردار شد، «زیرا تهاجم مغولان باعث شد مذهب تسنن از جایگاه حکومتی خود سقوط کند و در واقع تسامح مذهبی مغولان به شیعیان فرصت تازه ای داد تا بتوانند در حوزه های عقیدتی و سیاسی فعالیت کنند؛ به طوری که در زمینه های مختلف علمی، سیاسی و نظامی، رشد چشمگیری یافتند» (۴۳). رسمیت یافتن مذهب تشیع در مدت حکومت سلطان محمد خدابنده (الجایتو)، از فرمانروایان حکومت ایلخانی و پس از آن تأسیس نهضت ها و حکومت های ملوک الطوائفی شیعی مذهب همچون نهضت مردمی سرداران در خراسان، ظهور آل مشعشع در خوزستان، مرعشیان در مازندران، کارکیا در گیلان و سرانجام صوفی گری اردبیل به رهبری شیخ صفی الدین اردبیلی زمینه های ایجاد دولت شیعی صفویه را در سده دهم ه. ق فراهم کرد (۴۴). صفویان برای مقابله با دشمن خود عثمانی، روح ملی گرایی را به نام تشیع و ولایت علی (ع) ترویج دادند و به منظور ایجاد هویت ملی و دولتی متمرکز به گسترش نام و یاد علی (ع) و فرزندان ایشان پرداختند (۴۵). پادشاهان صفوی در کنار توجه به رواج مبانی اعتقادی شیعه دوازده امامی به عنوان مذهب رسمی به تطبیق اسلام با سنن و فرهنگ ایران نیز پرداختند (۴۶). در دوره شاه اسماعیل اول بنیانگذار این سلسله، شاه طهماسب و شاه عباس که صفویان را به اوج شکوه و اقتدار رسانیدند، «رویکرد

اصلی ورزش علاوه بر تفریح و تفرج و سرگرمی و مسابقه بیشتر به جنبه‌های حماسی، جنگاوری، شجاعت و دلآوری و آمادگی جسمانی و روحانی برای دفاع از حریم ایران و اسلام و مکتب تشیع بوده است» (۲). همان‌طور که زمینه‌های توجه و گرایش به مذهب تشیع از پیش از صفویه وجود داشت تا اینکه در این دوره رسمیت پیدا کرد، توجه به فرهنگ پهلوانی نیز که پیش از این زمان میان جوانمردان و فقیان ایرانی بود، در دوره حکومت صفوی به شکل آشکار و در آمیزش با مذهب تشیع به اوج ترقی خود می‌رسد. با قبول مذهب تشیع در این زمان و با وجود سابقه عشق و علاقه ایرانیان به خاندان عصمت و طهارت، بیش از پیش نام و یاد حضرت علی (ع) و اهل بیت پیغمبر (ص) با فرهنگ پهلوانی تلفیق شد. از مهم‌ترین سروده‌های این دوره که اهمیت بخشیدن پهلوانان به مفاهیم راستی، درستکاری، برادری و برابری در آن نمود بارزی دارد، مثنوی گل کشتی سروده میر نجف (نجات) اصفهانی از شعرای معروف زمان صفویه و مستخدم کتابخانه دولتی در عصر شاه سلطان حسین صفوی است که حکایت از ارادت و احترام ویژه پهلوانان به اهل بیت (ع) به‌ویژه حضرت علی دارد.

«ماه من از نظر سوختگان شاهی تو
نوجه شیر خدا لوطی الهی تو» (۴۷)

پهلوان، صرف‌نظر از قهرمان بودن در ورزش کشتی یا معروفیت در نمایش‌های زورگری، مدافع مردم ستم‌دیده نیز به‌شمار می‌رفت و به حمایت از قشر مظلوم جامعه، با زورگویان و تجاوزگران شهر درگیر بود. قصه حسین کرد شبستری که در دوره صفوی به رشته تحریر درآمده است، اگرچه به‌سبب برخورداری از روایت داستان‌گونه یک منبع تاریخی محسوب نمی‌شود، اما محتوای قصه‌ها و داستان‌های آن که بیشتر در خصوص قهرمانی‌ها و فداکاری‌های پهلوانان این دوره خلاصه می‌شود، نشان از رواج چنین پدیده‌ای در این دوره دارد (۴۸). شاه اسماعیل صفوی که در شمشیرزنی، تیراندازی، قیق‌اندازی و سوارکاری مهارت خاصی داشت، خود در جرگه پهلوانان قرار می‌گرفت (۴۹). یکی از صحنه‌های پررنگ حضور پهلوانان در این دوره، جنگ چالدران بود که پهلوانان نامدار ایرانی همچون محمد قره‌باغی، ابراهیم کوچک افسر فداکار ایرانی، سارو بیره از جوانمردان کردستان، دیو سلطان روملو فرمانده سواره‌نظام ایران و رستم کلاه چرمینه فرمانده ایران در مقابل حملات عثمانی مقاومت شایسته‌ای از خود نشان دادند (۵۰). پهلوان بیک قمری

۱. از آنجا که حضرت علی (ع) پیشوا و الگوی پهلوانان است، شاعر پهلوان خیالی خود را نوجه حضرت علی (ع) (اسدالله) خوانده است.

هم به واسطه شجاعت و دلاوری خود در ولایت خراسان در دوره شاه طهماسب اول به مقام امیر لشکری رسید (۵۱). نکته جالب توجه در مورد پهلوانان این دوره ذکر نام آنها در تذکره‌های دوره صفوی است که حاکی از شخصیت علمی و ادبی این افراد است؛ اشخاص دانشمند و شاعری که از پهلوانان دوره صفوی بودند و در مدح ائمه (ع) شعر می‌سرودند. اهمیت این گروه در دوره حکومت صفوی به مرتبه‌ای رسیده بود که شاه طهماسب پهلوانان را در مقامات و مناصب سیاسی وارد می‌کرد. در دوره شاه‌عباس صفوی نیز به دنبال سیاست او مبنی بر کوتاه کردن دست قزلباشان از امور حکومتی روی به دیگر گروه‌ها آورده که یکی از آنها پهلوانان این دوره بودند که شاه‌عباس آنها را در سلک تفنگچیان خود قرار داد (۵۲). امینی هروی از نقش مؤثر پهلوانان در حراست و نگهبانی از اردوگاه شاهی حکومت صفویه خبر می‌دهد و اینکه در امور جنگی و سپاهی مورد مشورت شاه قرار می‌گرفتند (۵۳). اسکندر بیگ ترکمان از مأموریت دسته‌ای از پهلوانان گزارش می‌دهد که مسئولیت محافظت از نجف اشرف را در مقابل حمله عثمانیان بر عهده گرفته بودند (۵۴). «هر کس قصد مسافرت داشت، زن و فرزند و اموال خود را به پهلوان محل یا شهری می‌سپرد و آن پهلوان با کمال صداقت و بزرگواری از آنها نگهداری می‌کرد تا شخص مزبور از مسافرت مراجعت نماید و اهل و عیال خود را صحیح و سالم تحویل گیرد. متمولین نیز در وصیت‌نامه‌های خود پهلوانان را قیم بازماندگان صغیر خود می‌ساختند و این جوانمردان خانواده‌های آنها را مثل فرزندان خود سرپرستی می‌کردند. در حقیقت پهلوانان تکیه‌گاه مردم بودند و ورزش و تربیت بدنی به‌عنوان حافظ ناموس شناخته می‌شد» (۵۵).

اهمیت این گروه در درجه‌ای بود که در دوره حکومت شاه سلطان حسین صفوی در کنار مقامات متعدد درباری و دولتی مقامی هم تحت عنوان «پهلوان‌باشی» وجود داشت (۵۶). شایان ذکر است که ماهیت این فرهنگ اخلاقی در اواخر دوره صفوی دچار دگرگونی‌هایی نیز شد، حسن بیگ روملو گزارش‌هایی از پهلوانان دوره شاه طهماسب ارائه می‌دهد که مبنی بر فساد و بی‌اخلاقی فرهنگ پهلوانی در این دوره است (۵۷). رستم‌الحکما نیز ضمن معرفی پهلوانان دوره شاه سلطان حسین از آلودگی‌های اخلاقی برخی از آنان در اواخر حکومت صفوی خبر می‌دهد که نشان‌دهنده افول و انحطاط این فرهنگ اخلاقی در دوره پادشاهی شاه سلطان حسین است (۵۶).

سقوط صفویان و استیلای افغان‌ها بر کشور، جابه‌جایی قدرتها در بازه زمانی محدود از جمله روی کار آمدن نادرشاه از ایل افشار و لشکرکشی‌های مختلف وی در مسیر قدرت‌یابی خویش و پس از یک مدت فرمانروایی حکومت افشاریه، قدرت گرفتن کریم‌خان زند از ایل زند و تأسیس سلسله زندیه در کشور

از پرحادثه‌ترین ادوار کشور محسوب می‌شد، بر همین اساس نباید انتظار گزارش‌ها و اخبار تاریخی جامع و مفصلی از امور پهلوانان این دوره داشت. با وجود این، منابع از شخص کریم‌خان زند به‌عنوان پهلوان شجاع این عصر یاد می‌کنند که در ورزش‌های رزمی مهارت داشته است. محمدحسن خان قاجار، کلب علی آقا و علی محمد خان نیز از پهلوانان معاصر عهد کریم‌خان زند بودند (۵۸).

دوره حکومت قاجار نیز دوره اوج و ترقی پهلوانان در بین مردم و طبقات بالای اجتماعی بود. این نکته را می‌توان از یک سو از طریق گزارش سیاحان خارجی که در این دوره به ایران سفر کرده‌اند و از دیگر سو از طریق خاطرات و گزارش‌هایی که برخی رجال این دوره در آثار خود شرح داده‌اند، دریافت. در عصر ناصرالدین‌شاه به‌سبب علاقه شخصی وی به ورزش، فعالیت ورزشی به‌طور فراوانی ترقی کرد، ورزش کشتی و سایر عملیات پهلوانی از تفریحات مورد علاقه شاه به‌ویژه در ایام نوروز محسوب می‌شد (۵۹). در بین سیاحانی هم که در دوره حکومت قاجار به ایران سفر کرده‌اند، بیشترین گزارش‌ها از پهلوانان، مربوط به دوره حکومت ناصرالدین‌شاه است (۶۰، ۶۱). فورویه^۱ و کارلاسرنا^۲ از علاقه و توجه ناصرالدین‌شاه به ورزش‌های پهلوانی خبر می‌دهند. آنها که در مراسم سلام نوروزی که در روز سوم نوروز برگزار می‌شد به‌عنوان میهمانان خارجی شرکت می‌کردند، از مراسمی که توسط پهلوانان انجام می‌گرفته و خواندن اشعار حماسی و ملی مذهبی نزد ناصرالدین‌شاه گزارش داده‌اند (۶۲، ۶۳). اهمیت این امر در آن دوره به درجه‌ای بود که هریک از اغنیا و اشراف در میان نوکران و پیشخدمتان خود چند پهلوان کشتی‌گیر هم استخدام می‌کردند (۶۴). هرچند در زمان سلاطین قاجار به‌خصوص از زمان ناصرالدین‌شاه از اصالت اولیه و معنویت خاصی که در بین پهلوانان حاکم بود، تا حدودی کاسته شد و ورزش‌های باستانی که روزی متعلق به طبقات پایین جامعه بود و از سادگی خاصی برخوردار بود، به خانه‌های اعیان و اشراف راه یافت و همین موضوع موجب بروز آثار انحطاط و زوال در آیین پهلوانی و روی کار آمدن پهلوان‌باشی‌ها و لوطی‌هایی بود که تنها هدفشان رسیدن به مقام پهلوانی پایتخت بود (۶۵). با وجود این نور فتوت و جوانمردی به‌طور کامل از میان نرفت و اخلاق و مروت همچنان در میان آنها جاری بود (۵۵).

لوطیان در دوره حکومت قاجار

در مورد ریشه و وجه تسمیه واژه لوطی نظرهای مختلفی ارائه شده است. گروهی آن را مشتق از واژه لوط در قوم لوط و به معنای خلافکار گرفته و عده‌ای نیز آن را به همان معنا، اما برگرفته از نام لوط پیامبر

-
1. Fauvriér
 2. Carla Serena

دانسته‌اند. برخی صورت نوشتاری صحیح آن را لوتی و آن را شکلی از «لودی» به معنای اهل لیدیه در زمان کوروش کبیر محسوب می‌دارند. «گروهی نیز آن را برگرفته از واژه فارسی «لوت» به معنای غذا می‌دانند و لوتی را کسی که از دست دیگران غذا می‌گیرد یا به دیگران غذا می‌دهد معنا می‌کنند. ریشه پیشنهادی دیگر لوت به معنای برهنه است» (۶۶). با توجه به گزارش‌های برآمده از اعمال و کردار این گروه می‌توان گفت، گروه عیاران و جوانمردانی که از دیرباز یکی از گروه‌های اجتماعی مؤثر در سطح جامعه بودند، از دوره حکومت قاجار در قالب گروه‌هایی با عنوان «لوطی» یا «دش مشدی» ابراز وجود کردند. «در واقع لوطیان میراث‌دار فتوت تحول‌یافته و عیاری بودند. با تحول در فتوت بود که گستره این سازمان و مرام آن وسیع شد» (۶۷). از این‌رو لوطیان را می‌توان همان گروه عیاران سده‌های اولیه اسلامی دانست که در این دوره با نامی دیگر و با تغییراتی در آداب و اعتقادات خود به حیات خویش ادامه دادند. شاخصه این گروه که آنها را به گروه پهلوانان پیوند می‌دهد، زورمندی و توانایی جسمی آنها و غلبه روح جوانمردی و عیاری در آنهاست که مظهری از همان روحیه پهلوانان است. از ویژگی‌هایی که برای آنها برشمرده‌اند، حمایت از مظلومان و درماندگان و مبارزه با زورگویان و تجاوزکاران بود. از پایگاه‌های شایان توجهی که لوطیان این دوره مرام و مسلک جوانمردی را در آن می‌آموختند، زورخانه‌ها بود (۶۸). مستوفی ارتباط لوطی‌ها را از یک سو با زورخانه و از دیگر سو با اعتقادات مذهبی به‌خوبی نشان داده است: «ورزشکار خوب بودن و در زورخانه چهره کردن یکی از آرزوهای هر لوطی بود، مرشدی زورخانه که کار کشتی یاد می‌داد و پشت ضرب بزرگ زورخانه می‌نشست و اشعار شاهنامه می‌خواند کاری بود که به‌آسانی و سهولت نصیب هر لوطی نمی‌شد و می‌باید یک نفر لوطی بارها آزمایش لوطی‌گری خود را داده باشد» (۶۹). لوطیان اگرچه از سواد و دانش زیادی برخوردار نبودند، روحیه مذهبی حاکم در بین آنها موجب اعتقاد و حرمت‌گذاریشان به پیشوایان مذهبی بود. در موقع عزاداری ماه محرم از سردمداران دسته‌های عزاداری بودند، از میان پیشوایان مذهبی به حضرت علی(ع) و از میان شهدای کربلا اعتقاد عمیق به حضرت عباس و حر ریاحی داشتند و به‌سبب جوانمردی و شجاعتی که در قیام امام حسین(ع) از خود نشان دادند، آنها را سرمشق خویش قرار می‌دادند (۶۹). ویلم فلور، مرام اجتماعی حاکم بر لوطیان را مرام جوانمردی و دستگیری از ضعیفان و ناتوانان و مقابله با ظلم و ستم برمی‌شمرد؛ همان مرام و مسلکی که تا پیش از این در میان افرادی تحت عنوان عیار وجود داشت و در دوره قاجار در قالب لوطی‌های اهل زورخانه جلوه‌گر شد (۷۰)؛ با وجود این افرادی از این گروه نیز دچار انحرافات و فساد اخلاقی بودند. تقسیم‌بندی بلوکباشی از لوطیان این دوره جوانمردان و ناجوانمردان این عرصه را از هم تفکیک کرده است: بلوکباشی لوطیان را

به لحاظ شغل و رفتار و خوی و خصال به سه دسته لوطی‌های ارباب معرکه‌گیر، لوطی‌های بزن‌بهادر و شریر (لات و لوت) و لوطی‌های یل جوانمرد تقسیم می‌کند که دسته سوم از پهلوانان وارسته و خوشنامی بودند که می‌کوشیدند تا پیوسته اصول فتوت و جوانمردی را در زندگی روزانه خود به کار برند. «این گروه در کردار منشی لوطیانه داشتند و در حق جویی و ایثارگری و گذشتن از جان و مال خود در راه دستگیری از خانواده‌های بی‌سرپرست و هستی از دست داده و بیوه‌زنان و پهلوانان و آبرومندان از یافتاده، درنگ نمی‌کردند. از این رو مورد وثوق و اعتماد اهل محل بودند و مردم حفظ جان و مال و ناموس خود را در حضر و سفر به آنان می‌سپردند» (۶). با وجود این گزارش سیاحان خارجی از لوطیان این دوره بیشتر در شرح اعمال و رفتار گروه‌های اول و دوم خلاصه می‌شود (۷۱، ۷۲). اجیرشده‌های قدرتمندان زمانه که هرچند وقت یک بار با دریافت پول از آنها اقدام به شرارت و فساد در جامعه می‌کردند (۷۳). این افراد از آرمان‌های اخلاقی و معنوی حاکم بر فرهنگ پهلوانی دور شدند و از آموزش‌های پهلوانی تنها زور بازو را فرا گرفتند و باقی مفاهیم آموزشی و انسانی آن را کنار گذاشتند.

پیوند فرهنگ پهلوانی با مذهب و ملیت

با آغاز حکومت پهلوی فرهنگ پهلوانی در کشور وارد مرحله جدیدی شد، یکی از سیاست‌هایی که حکومت پهلوی در دوران سلطنت خود در پیش گرفت، کنار گذاشتن مذهب و برانگیختن حس ناسیونالیستی شدید در بین مردم ایران بود، افکار و رفتارهای اجتماعی هم تحت تأثیر این سیاست جدید قرار گرفت و قطعاً پهلوانان این دوره نیز از این سیاست‌گذاری‌های جدید حکومتی بی‌تأثیر نبودند. از شواهد این موضوع اقدام رضاشاه پهلوی در بنای آرامگاه و تجلیل مقام حکیم ابوالقاسم فردوسی شاعر بزرگ و حماسه‌سرای ایران و جشن هزارمین سال تولد او بود که در میان برنامه‌های این جشن بزرگ، نمایشی از ورزش‌های پهلوانی نیز ترتیب داده شد (۳۶). با به تخت نشستن محمدرضا شاه پهلوی در شهریور ۱۳۲۰ جوامع ورزشی و پهلوانان همچنان مورد توجه قرار گرفتند. اجرای برنامه و آوازهای ورزش باستانی توسط جعفر شیر خدا در رادیو تهران وسیله‌ای برای تشویق ورزشکاران و پهلوانان شد (۴۷). کاظمینی از کسانی بود که خدمات وی در زمینه شناساندن ورزش زورخانه و پهلوانان ایرانی در جهان نقش حائز اهمیتی داشت. به همت وی شخصیت‌ها و میهمانان خارجی که از کشورهای دیگر به ایران سفر می‌کردند، از زورخانه‌های این دوره بازدید کردند که پاره‌ای از تصاویر و عکس‌های مربوط به آن را کاظمینی در کتاب خویش ثبت کرده است. با وجود این نمی‌توان فساد و بی‌اخلاقی را که در بین پهلوانان این دوره به وجود آمد نیز نادیده گرفت. در بین پهلوانان افرادی بودند که به کارهای غیراخلاقی روی آوردند. شعبان جعفری

یکی از این افراد بود (۷۴). بروز فساد و انحراف در میان این قبیل افراد سبب شد تا منش جوانمردی در قالب گروه‌هایی تحت عنوان «پهلوان‌های مردمی» ادامه یابد و تعدادی از زورمندان راه خود را از زورگویان جدا کنند و همچنان پایبند به آرمان‌های متعالی و انسانی خویش ادامه حیات دهند. حاج سید حسن رزّاز از پهلوانان اواخر قاجاریه و اوایل حکومت پهلوی، از پهلوانان خوشنام و جوانمردان دوستدار علی (ع) بود که فعالیت‌های او همچون گلریزان کردن برای افراد تنگدست و دارا بودن ویژگی‌های والای اخلاقی همچون تقوا و حسن خلق و توصیه آن به دیگر پهلوانان نشان می‌دهد که روحیه جوانمردی با وجود چنین افرادی همچنان پابرجا بود. حاج محمدصادق بلورفروش بزرگ‌ترین پهلوان دینی عصر خود (اواخر قاجار و اوایل پهلوی) و مردی مؤمن و مقید به شریعت بود. در آن روزها که اسباب فساد و هرزگی در بین زورگویان پهلوان‌نما به وجود آمده بود، حاج محمدصادق بلورفروش با امر به معروف و نهی از منکر به نوجه‌ها و شاگردان خویش سعی می‌کرد تا آنها را در برابر مفاسد اجتماعی محافظت کرده و محیط زورخانه خود را به مفاسد و منکرات رایج آلوده نکند (۷۴). پهلوان حسین گلزار کرمانشاهی مردی پاکدامن و جوانمرد بود، «همیشه در گمنامی به سر می‌برد و به قدری محجوب بود که هرگز میل نداشت قدرت خارق‌العاده خود را که به نظرش خیلی عادی می‌آمد بر مردم ظاهر کند» (۷۵). میرزا باقر اندرونی از پهلوانان پاکدامن و باتقوا در عصر پهلوی بود. «صبح‌ها در زورخانه مسائل دینی و احکام اسلام را به نوجه‌ها و نواخته‌ها می‌آموخت. روش او چنین بود که اگر نوجه‌ای در مسائل دینی حضور نمی‌یافت او را در زورخانه برای ورزش کردن نمی‌پذیرفت» (۷۴). جهان‌پهلوان تختی از دیگر پهلوانان مردمی این دوره به سبب خصوصیات اخلاقی همچون ایمان، انسانیت، حسن رفتار و فداکاری برای ملت محروم، محبوب مردم ایران شد. یاری رساندن به مردم بینوا، مظلوم و ناتوان و مقابله با ستمگران زمانه از فعالیت‌های او در دوره پهلوی بود (۷۶).

پس از پیروزی انقلاب ۵۷ فرهنگ پهلوانی بیش از پیش با مفاهیم مذهبی گره خورد. امام خمینی (ره) در سخنرانی خود به تاریخ هشتم خردادماه ۵۸ در جمع پهلوانان ورزش باستانی، ورزش زورخانه‌ای را به سبب اینکه در آن به تقویت جسم و روح توجه می‌شود، ستایش کرده و پهلوانان برومندی که علاوه بر نیرومندی جسم به دیانت و اسلام نیز توجه دارند، مایه افتخار و مباهات دانستند (۷۷). یکی از پهلوانان به نام این دوره شاهرخ ضرغام بود. اگرچه در اوایل جوانی قدرت بدنی خویش را دستاویزی برای آشوب و تشویش در جامعه قرار داده بود، با پیروزی انقلاب اسلامی مسیر زندگی خود را تغییر داد و پرورش‌یافته نهضت انقلاب اسلامی شد، به گونه‌ای که خود را حر نهضت امام خمینی (ره) می‌دانست و در همان روزهای

اول جنگ ایران و عراق از همه جلوتر پا به عرضه گذاشت. «آنقدر دلاورانه جنگید که دشمنان برای سرش جایزه تعیین کردند!». سرانجام در ۱۷ آذرماه ۵۹ در دشت‌های شمال آبادان به شهادت رسید و پیکرش هم پیدا نشد (۷۸). شهید ابراهیم هادی از دیگر پهلوانان زورخانه‌ای در دوران انقلاب اسلامی و دفاع مقدس بود؛ وی از ورزشکاران زورخانه‌ای حاج حسن توکل بود؛ ایشان در ۲۲ بهمن ۶۱ طی عملیات والفجر مقدماتی به شهادت رسید (۷۹).

«دوران زیبا و معنوی زورخانه‌ای حاج حسن در همان سال‌های اول دفاع مقدس، با شهادت شهید حسن شهابی (مرشد زورخانه)، شهید اصغر رنجبران (فرمانده تیپ عمار) و شهیدان سید صالحی، محمد شاهرودی، علی خرمدل، حسن زاهدی، محمد سبحانی، جواد مجدپور، رضا پند، حمدالله مرادی، رضا هوربار، مجید فریدوند، قاسم کاظمی و چندین شهید دیگر و همچنین جانبازی حاج علی نصرالله، مصطفی هرندی و علی مقدم و همچنین درگذشت حاج حسن توکل به پایان رسید» (۷۹). زمزمه ورزشکاران این زورخانه آیاتی از قرآن، احادیث، اشعاری در مورد اهل بیت (ع)، دعای توسل و دعا به حال درماندگان بود. میراثی که این زورخانه و تعلیمات آن به جا گذاشت، نام و نشان پایدار شهدای پهلوان هشت سال دفاع مقدس ایران بود.

حضرت علی (ع) الگوی پهلوانان مسلمان ایرانی

«جوانمرد اگر راست خواهی ولی است کرم پیشه شاه مردان علی است»

(۸۰)

از مهم‌ترین اصول عقاید پهلوانان ارادت خاص آنها از دیرباز به حضرت علی (ع) بوده است. پهلوانانی که خود را سربازان شیعه حضرت علی می‌دانند که این امر حاکی از جایگاه والای امام در بین آنها بوده است. با توجه به این مسئله می‌توان دو مفهوم مهم در بین این گروه را بازشناخت: مفهوم نخست غلبه روح جوانمردی و یاریگری است که در بین پهلوانان ایرانی وجود دارد، مفهومی بنیادین که به تأسی از الگوی جوانمردی حضرت علی (ع) به آن اقتدا می‌کنند، مفهوم دوم قدرت و استقامت بدنی بالا در این افراد که برای مقابله با قدرتمندان زمانه به آن نیاز دارند. فتوت^۱ و جوانمردی که از ویژگی‌های بارز پیامبران و اولیای الهی است، مهم‌ترین میراث اسلام برای پهلوانان مسلمان ایرانی است. پس از ختم نبوت، فتوت و جوانمردی در ولایت الهی تعریف می‌شود و سرپرست حقیقی فتیان حضرت علی (ع) دانسته شده و

۱. «فتوت در لغت عرب صفتی است که از کلمه فتی مشتق شده است. فتی در لغت عرب تازه جوان و کسی را گویند که پای در دوران جوانی نهاده است»، بنابراین فتی را جوان و جوانمرد گفته‌اند (۸۱).

شجاعت، جوانمردی و ایثار او سرلوحه عمل فتیان قرار گرفته است. از شواهدی که می‌رساند علی(ع) سرسلسله فتوت و جوانمردی بوده است، اینکه چندین بار جان خویش را برای حفظ و صیانت از رسول خدا(ص) به خطر انداخت؛ از جمله آن شبی که در بستر ایشان خوابید تا آن حضرت به سلامت از مکه به مدینه سفر کند: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ» «بعضی از مردم که از جان خود در راه رضای خدا درمی‌گذرند خدا دوست دار چنین بندگان است»^۱. «در امالی شیخ از امام چهارم روایت شده که آیه درباره علی(ع) نازل شده در شبی که پیغمبر اکرم(ص) از مکه به طرف مدینه هجرت کرد) و آن حضرت در بستر پیغمبر خوابید. روایات زیادی از شیعه و سنی موافق همین معنی رسیده است» (۸۲). پیامبر(ص) شبانه از خانه خارج شد و علی با همه آرزوهایش خود را قربانی اسلام کرد. آگاهانه به آغوش مرگ رفت تا نهال توحید بارور شود. او در روند تکامل توحیدی در رختخواب پیامبر آرمید. در غزوه احد نیز حضرت علی(ع) فتی خوانده شد. رسول اکرم(ص) در برابر سپاه درفش را به علی سپرد و او با جمعی از یاران بزرگوار رسول دلیرانه روی به مبارزه و مقاتله پرداختند، در آن هنگام از هانت غیب آوایی به گوش رسید که در حق ایشان گفته شد: «لا فتی الا علی» (۸۳). این لقب که ویژه حضرت علی(ع) است، به یکی از شعارهای اصلی بین پهلوانان مبدل شد. این ویژگی که از خصایل بارز پیشوایان الهی است، در یاران و صحابه ایشان نیز وجود داشت، چنانکه سلمان فارسی نیز که زاده ایران بود، از شخصیت‌های مورد علاقه فتیان بود (۲۱). هانری کربن در مورد ارتباط اهل فتوت با پهلوانان می‌گوید: «فتیان به منظور کسب استقلال و مقابله با ستمگری‌های دستگاه حاکمه دست به تأسیس تشکیلاتی با عنوان فتوت‌زده و پاتوق آنها ورزشخانه‌هایی بود که در آن آداب جنگاوری را می‌آموختند» (۸۴). این ورزشخانه‌ها در واقع همان زورخانه‌هایی است که مهد پرورش پهلوانان ایرانی و اساس فتوت یعنی جوانمردی آموزه حائز اهمیت در بین آنها بوده است.

از دیگر اقداماتی که در راستای پیوند هرچه بیشتر فرهنگ پهلوانی با حضرت علی(ع) انجام گرفته است، نامگذاری روز ۱۷ شوال به‌عنوان روز فرهنگ پهلوانی و ورزش زورخانه‌ای و قرار دادن در تقویم رسمی کشور توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی است. این تاریخ، سالروز نبرد پهلوانانه امام علی(ع) با عمرو بن عبدود در نبرد احزاب است. عمر بن عبدود از قهرمانان عرب بود که زمانی که در نبرد خندق از سپاه پیامبر(ص) مبارز طلبید، هیچ‌کس جز علی(ع) حاضر به مبارزه با او نشد (۸۵). سرانجام پیروزی

حضرت در برابر او از پرافتخارترین پیروزی‌های جهان اسلام قلمداد شد. پیامبر(ص) در خصوص این پیروزی فرمود: «ارزش این فداکاری بالاتر از تمام اعمال امت من است، زیرا در سایه شکست بزرگ‌ترین قهرمان کفر، عموم مسلمانان عزیز، و ملت شرک، خوار و ذلیل گردید» (۸۶).

از دیگر نموده‌های الگو قرار دادن علی(ع) در بین پهلوانان ایرانی، اشعاری با موضوع ستایش از جوانمردان تاریخ اسلام است. این دسته از حماسه‌های منظوم امروزه بر خوانش اشعار شاهنامه در بین پهلوانان زورخانه برتری یافته است. خاوران‌نامه ابن‌حسام خوسفی از نمونه‌های این نوع منظومه‌های حماسی دینی است که به تقلید از شاهنامه بر رشادت‌های حضرت علی(ع) و جنگ‌های آن حضرت به رشته نظم کشیده شده است (۸۷). در حقیقت پهلوانی در فرهنگ ایران جدای از معنویت، جوانمردی و فتوت نیست، به همین سبب تمام جوانمردان در طول تاریخ، پیشوای خود را حضرت علی(ع) دانسته و به ایشان اقتدا کرده‌اند. یاد حضرت علی(ع) و فرزندان پاک ایشان و یادآوری اعمال و کردار ایشان در آداب و مناسک پهلوانان موجب تقویت و پایداری فرهنگ پهلوانی تا به امروز شد و از به فراموشی سپردن آن جلوگیری کرد.

نتیجه

فرهنگ پهلوانی از گذشته‌های دور از بنیان‌های اجتماعی و جلوه بیرونی در تمدن ایرانی به‌شمار می‌رفته است که در تعالیم اوستا و آیین زردشتی و در مکتب تربیتی ایرانیان به‌سبب کسب قابلیت جنگاوری برای مقابله با دشمنان و اهمیت فضایل اخلاقی از جمله راستگویی مورد توجه بوده و مضامین اخلاقی و میهنی از آموزه‌های تربیتی پهلوانان بوده است. در طول دوره‌های مختلف تاریخی پهلوانان نامی پا بر عرصه این مرز و بوم نهاده و با عناوین مختلف از جمله عیار، جوانمرد، لوطی و پهلوان‌های مردمی به اعمال شجاعت و پاسداری از طبقه مظلوم پرداخته‌اند. تاریخ ایران از مبارزانی همچون پهلوان محمود خوارزمی، یعقوب لیث صفار، عبدالرزاق بیهقی، یوسف ساوی، شاه اسماعیل صفوی، کریم‌خان زند و همچنین در دوره معاصر افرادی همچون شهدای هشت سال دفاع مقدس که بر دشمنان این مرز و بوم پیروز شده‌اند، به‌عنوان پهلوانان نامی این سرزمین سخن گفته است. هرچند همیشه و در تمام دوره‌ها در بین این گروه افرادی هم بوده‌اند که با اعمال خلاف اخلاق خود موجب انحطاط آیین پهلوانی و فرهنگ والای اخلاقی آن شده‌اند، با وجود این فتوت و جوانمردی به‌طور کامل از میان نرفت و اخلاق و مروت همچنان در میان پهلوانان جاری بوده و است. آنچه در این پژوهش آمد گریزی به معرفی پهلوانان ایرانی و بررسی و تحلیل مفاهیم

غالب بر فرهنگ پهلوانی و تحول و گسترش آن در بازه‌های زمانی مختلف و تحت تأثیر شرایط موجود حاکم بر جامعه بود. البته جنگ‌های متعددی هم از دوره‌های پیشین به جا مانده که اگر آنها نیز توسط متخصصان بازخوانی شود، می‌تواند اطلاعات مفیدی را در اختیار پژوهشگران این حوزه قرار دهد. به هر ترتیب آنچه از مطالعه تاریخ پهلوانان این مرز و بوم حاصل می‌شود این است که با ورود اسلام به ایران و پیوند عنصر ایرانی با مذهب تشیع، این فرهنگ با همان کیفیت ایرانی همراه با ویژگی‌های بارز اسلامی به دوره جدیدی به‌عنوان تمدن اسلامی گام نهاد. سردمداران آیین عیاری دوره باستان پس از ورود اسلام به ایران دریافتند که مفاهیم والای اخلاقی در مکتب جوانمردی مغایرتی با آموزه‌های اسلامی ندارد، از این رو این آیین کهن با اعتقادات مذهبی و تحت تأثیر آن به‌ویژه شخصیت ممتاز حضرت علی (ع) که برجسته‌ترین خصلت‌های جوانمردی همچون مقابله با ظلم، دفاع از مظلوم، کمک به درماندگان، رأفت و مهربانی در عین قدرت و صلابت و شجاعت را دارا بودند آمیخته شد، رشد و گسترش یافت تا به شکل امروزی درآمد و آیین پهلوانی را به شکل زیباتر و مؤثرتری تقویت کرد.

منابع و مآخذ

1. Mofakham N. Sport Dictionary. Tehran: Iran healthy diversions and physical education organization 1968:74. (In Persian)
2. Yazdi H. Chivalry courage heroicism championship and sport at the time of Safavieh dynasty. Journal of sport management. 2011(10):121-136. (In Persian)
3. Hesam poor S. Imposture role in the Iran civilization and culture. Journal of Iranian studies. 2005(8):53-74. (In Persian)
4. Sabori Zalo Abi A. Imposture. Journal of tarikh-pajouhi. 2012(51):167-182. (In Persian)
5. Javadi Yeganeh M, Aghaei J, Mokhtari Isfahani M. Loutian principle at the time of Qajar. Journal of Jame Pazhuhiy Farhangi. 2011(2):77-100. (In Persian)
6. Bolouk Bashi A. Louti and Loutigary in the social life of Iran history. Journal of people culture. 2004(8-9): 99-105. (In Persian)
7. Doostkhah J. Avesta (Nameh Minoos of Zoroastrianism). Report of Ebrahim poor Davood. Tehran. Morvarid publication 1964. (In Persian)
8. Herodotus. Herodotus History. Translated By Esmayeel Sangari. Tehran. Establishment of translation and Parseh book publication. 2014:100. (In Persian)
9. Bijan A. Rout of civilization and training at the time of ancient Iran. Tehran. Ibn Sina publication. 1971:197-199. (In Persian)
10. Xenophon. Curus Nama. Translated By Reza Mashayekli. Tehran. Establishment of translation and book publication. 1964:5-9. (In Persian)

11. Zarrinkoob A. Days(Iran History since beginning until fall of Pahlavi Denasty). Tehran. Speech publication. 1995:27. (In Persian)
12. Minug Xerad. Translated By Ahmad Tafazzoli. Tehran. Establishment of Iran culture. 1975:23. (In Persian).
13. Irani D. Ancient Iran moral. Tehran. Meeting of Iranian Zoroasters of Mumbai. 1982:77-78. (In Persian).
14. Barati M. Shahnameh Purview of education and test(Education and test in the Shahnameh). Journal of Isfahan culture. 2005(14):18-35.(In Persian).
15. Islami Nadooshan MA. Life and death of athletes in the Shahnameh. Yazdan publication. 1984:170,173,291,304. (In Persian).
16. Beyhaghi A. Research and study of Iran public culture. Mashhad. Office of museums of Astan Quds Razavi.1986:43. (In Persian).
17. Onsorol mail K. Qabus Nama. Corrected By GholamHossein Yoosefi. Tehran. Establishment of translation and book publication. 1974:347. (In Persian).
18. Shafii Kadkani M. Qalandarie in the history. Tehran. Speech publication. 2007:338. (In Persian).
19. Mahjoob M. Vulgar literature of Iran.vol 1and 2. Tehran. Sarcheshmeh publication. 2003:959-962. (In Persian).
20. Dinvari AA. Akhbarol Teval. Translated By Mahmood Mahdavi Damghani. Tehran. Ney publication. 1987:92. (In Persian).
21. Hakemi E. Chivalry and generosity custom. Tehran. Asatir publication. 2003:35,37. (In Persian).
22. Karimi J. Look on world physical education history. Tehran. Center of collegiate publication. 1994:236-237. (In Persian).
23. Abiforas AV. Varam collection(Manners and Morality in the Islam).vol 2. Translated By Mohammad areza Ataei.Mashhad. Establishment of Islamic research. 1990:25-26. (In Persian).
24. Khorramshahi B, Ansari M. Prophet message. Tehran. Scientific and Cultural publication. n.d:640. (In Persian).
25. Falsafi MT. Educative narratives of AhleBeyt achool. Tehran. Islamic culture publication. 1984:27. (In Persian).
26. Tamimi Amedi AM. Ghurar Al-Hikam Wa Durrar Al-Kalim. Translated By Hashem Rasoli. Tehran. Islamic culcure publication. 1987:263. (In Persian).
27. Nahjul Balagha. Translated By mohammad Dashti. Qom.Hazrat Abbas publication. 2006:399. (In Persian).
28. Qomi A. Mafatih al janan. Tehran. Javidan publication. 1994:135. (In Persian).
29. Afshari M. Generosity Custom. Tehran. Cultural researches publication. 2005:9. (In Persian).
30. Ebne Asir EA. Kamel(Big History of Islam and Iran).vol 10. Translated By Abbas khalili. n.p. Iran books publication. N.d:212. (In Persian).

31. Bastani Parizi ME. Yaghoob Lais. Tehran. Chakameh publication. 1984: 104-105, 341-359 (In Persian).
32. Heravi S. Harat Nama. Corrected By Mohammad Zobeyr Sedighi. Calcutta. 1983:410. (In Persian).
33. Ohadi Daghighi Balyani TM. Biography of Arafatul Asheghin and Arasatul Arefin. Vol 5 and 6. Corrected By Mohsen Naji Nasr Abadi. Tehran. Asatir publication. 2009:3338,3341. (In Persian).
34. Hamid H. Life and day and thouth of Puriya Vali. Tehran. Printing of Sahel. 1974:194. (In Persian).
35. Ensaf Poor Gh. Puriya Vali (Stories of old athletes until 13 century). Tehran. Book world. 1978: 60-83. (In Persian).
36. Kazemai K. Athletic role and imposture movement in the social history and political life of Iran nation. Tehran. Printing of Meli Bank. 1964:48-50,356. (In Persian).
37. Vasefi ZM. Badayeul Vaghaye. Corrected By Alexander Beldroof. Vol1. Tehran. Stablishment of Iran culture. 1970:409-508. (In Persian).
38. Chelongar MA, ShahMoradi M. Shia governments in the history. Qom. Sciences and Islamic culture research institute. 2016:182. (In Persian).
39. Petroushevsky IP. Khorasan Sarbedaran. Translated By Karim Keshavarz. ShahReza. Payam publication. 1972:52-53. (In Persian)
40. Ajand Y. Sarbedaran Revolt. Tehran. AmirKabir publication. 1986:45. (In Persian).
41. Abbasi M. History of ancient sport and cthletic wrestling in Iran. Qom. Center Islamic studies. 1975:11. (in Persian).
42. Godarzi M. Sociology genesis of national identity in Iran by emphasis on Safavi time. Tehran. Iranian civilization publication. 2002:199. (In Persian).
43. Navaei AH, Ghaffari Fard AGh. History of political, social, economic, cultural changes of Iran at the time of Safavi. Tehran. Samt publication. 2002:24. (In Persian).
44. Mazzaoui M. Genesis of Safavi government. Translated By Yaghob Ajand. Tehran. Gostareh publication. 2009:29. (In Persisn).
45. Savory R. Iran under the Safavids. Translated By Kambiz Azizi. Tehran. Markaz publication. 1995:29. (In Persian).
46. Roemer HR. Persien auf dem Weg in die Neuzeit: iranische Geschichte von 1350-1750. Translated By Azar Ahanchi. Tehran. Establishment of publication and print of Tehran university. 2001:258. (In Persian).
47. Parto Beyzaei H. History of ancient sport of Iran and palestra. Tehran. Heydari Printing. 1958:394,219. (In Persian).
48. Shabestari H. Story of Hossein Kord Shabestari. By effort Iraj Afshari, Mehran Afshari. Tehran. Cheshmeh publication. 2006:31. (In Persian).
49. Yosef Jamali MK. Political, Social, Cultural, Religious life of Shah Esmayeel by observation on bodily, spiritual, moral, religious specifications and relation with foreign governments. Isfahan. najafAbad. Azad university of NajafAbad publication. 2008:157. (In Persian).

50. Mtez A, Bark J. Shah Jank Iranian at Caldiran and Greece. Translated By Zabihollah Mansori. Tehran. AmirKabir publication. 1984:399. (In Persian).
51. Sadeghi Ketabdar. Biographi of MajmaulKhavas. Translated By AbdolRasul KhayamPoor. AkhtarShomal printing. 1948:36. (In Persian).
52. HosseiniEstarabadi H. Monarchy history since Sheikh Safi until Shah Safi. By effort Ehsan Eshraghi. Tehran. Scientific publication. 1985:89,135. (In Persian).
53. Amini Haeavi SE. Shah conquests. Corrected By Mohammad Reza Nasiri. Tehran. Writing and cultural glories meeting. 2004:166,384. (In Persian).
54. Monshi Torkaman EB. Abbasi Alam Ara history. Vol2and3. Tehran. AmirKabir publicational institution. 1956:1033. (In Persian).
55. Mahdavi Nejad R, Motamedi P. Sport and physical education history. Isfahan. Isfahan university publication. 2002:99-100,109. (In Persisn).
56. Rostamul Hokama MA. Rostamu,t-tawarikh. Corrected By Mohammad Moshiri. Tehran. AmirKabir. 1969:101, 104-109. (In Persian).
57. Romlo H. Ahsanu,t-tawarikh. Corrected By CN Seddeon. Tehran. Shams library publication. n.d: 455-456. (In Persian).
58. Navaei AH. Karimkhan Zand. Tehran. Sepehr printing. 1969:228-235, 239-240. (In Persian).
59. Moayerul Mamalek D. Notes of NaserodinShah life. Tehran. Iran history publication. 1993:59. (In Persian).
60. Orsolle E. Orsolle itinerary. Translated By Ali Asghar Saeidi. Tehran. Zavvar publication. 1974:205-206. (In Persian).
61. Polak JE. Polak itinerary. Translated By Keykavos Jahandari. Tehan. Kharazmi publication. 1989:134. (In Persisn).
62. CarlaSerena. Iran people and visitables(CarlaSerena itinerary). Translated By GholamReza Samiei. Tehran. Nou publication. 1984:267. (In Persian).
63. Fauvriier. Three year in Iran court. Translated By Abbas Eghbal Ashtiani. Tehran. World of book. 1983:347 (In Persian).
64. Wills. Iran in one ago century(Doctor Wills itinerary). Translated By Gholam Hossein Gharaguzlo. Eghbal printing. 1989:137. (In Persian).
65. Darakeh E. palestra history and cultural. Tehran. Attendant book institation. 1998:14-16. (In Persian).
66. Karimi Zanjani Asl M. Artist generousities and fearless cheerleaders. Journal of motto and wisdom information. 2009 (8):65-69. (In Persian).
67. Velayati AA. Generosity encyclopedia(Chivalry). Vol 3. Tehran. AmirKabir Institution. 2015:20. (In Persian).
68. Najmi N. Darulcaliphate of Tehran. Tehran. Zavvar publication. 1969:97-99. (In Persian).
69. Mostofi A. My life description or social and office history of Iran at the time of Qajar since AqaMohammad Khan Qajar until Naseroddin Shah. Tehran. Zavvar publication. 1992:303,303-305. (In Persian).

70. Floor W. Inquiries of social history of Iran at the time of Qajar. Vol 1. Translated By Abolghasem Serri. Tehran. Toos publication. 1987:253-254. (In Persian).
71. DeGobineau JA. Three year in Iran. Translated By Zabihollah Mansori. Tehran. Farrokhi publication. n.d:110. (In Persian).
72. Brugsch H. Travel to court of Saheb Qaran king. Translated By KordBacheh. Tehran. Information publication. 1989:187. (In Persian).
73. Flandin E. Eugene Flandin itinerary to Iran. Translated By Hossein NoorSadeghi. N.p. Eshraghi publication. 1993:134. (In Persian).
74. Mokhtari E, Saber H. Athletic legacy. Tehran. Cheshmeh publication. 2016: 402, 80-83, 84-87,99. (In Persian).
75. Soltani MA. Historical geography and detailed history of Kermanshahan(Bakhtaran). Tehran. compiler publication. 1991:237. (In Persian).
76. Rafat M. Takhti, Eternal always Man. Science publication. 1987:26-30. (In Persian).
77. Center of Islamic revolution cultural evidences. NoorSahifeh(Imam Khomeyni Guidances). Vol 7. Sahami company of Islamic guidance ministry publication. 1982:26. (In Persian).
78. Cultural group of Shahid Ebrahim Hadi. Shahrokh Islamic revolution Horre: Biography and memorabilia of Shahid Shahrokh Zargham. Tehran. Shahid Ebrahim Hadi publication. 2017:11. (In Persian).
79. Cultural group of Shahid Ebrahim Hadi. Hellow to Ebrahim: Biography and memorabilia of Shahid Ebrahim Hadi.vol 1. Tehran. Shahid Ebrahim Hadi publication. 2017:13,25. (In Persian).
80. Sadi Shirazi M. Sadi Bustan. Corrected By Mohammad Ali Foroughi. Tehran. Peyman publication. 2009:122. (In Persian).
81. Kashefi H. Royal chivalry Nama. By effort Mohammad Jafar Magjoob. Tehran. Stablishment of Iran cultural. 1971:8. (In Persian).
82. Tabatabaei MH. TafsirALMizan. Translated By Mohammad Taghi Mesbah Yazdi. Vol 2. Stablishment of scholar Tabatabaei scientific and mental by cooperation of center of Raja cultural publication and AmirKabir publication. 1987:135. (In Persian).
83. Koleyni. AL.Kafi. vol 8. Corrected By Ali Akbar Ghaffari. Tehran. Islamic DorulKotob. 2001:110. (In Persian).
84. Corbin H. Generosity custom. Corrected By Morteza Sarrafi. Tehran. French Institute of scientific researches in Iran. 1984:117. (In Persian).
85. Vaghedi M. Maquzi(history of prophet waes). Vol 2. Translated By Mahmiid Mahdavi Damghani. Tehran. Center of collegiate publication. 1983:352. (In Persian).
86. Sobhani J. Eternity brightness(Analysis of life of prophet). Vol 2. Qom. Islamic Knowledge publication. 1984:139. (In Persian).
87. Ebne Hesam MH. Persian Tazian Nama. Resume of Khavaran Nama. Corrected By Hamidollah Moradi. Tehran. Center of collegiate publication. 2003.(In Persian).

Iran heroes since yesterday to today

Mostafa Pirmoradian¹ - Parvin Haqqi*²

1. Associated professor, Faculty of literature and Humanities, Isfahan University, Isfahan, Iran 2. Graduate of Master of Arts, Shiit History, Isfahan University, Isfahan, Iran

(Received:24/08/2020;Accepted:24/11/2020)

Abstract

Heroic culture is one of the richest and the most productive national assets in Iran. This pure Iranian-Islamic culture has brought up great heroes and delivered them to Iranian society during multiple periods. The main objective in this study is to introduce Iranian heroes from ancient period until Islamic Revolution in Iran and to survey the course of evolution and variation of this culture and its leaders namely heroes. It has been presupposed that what made this rich culture persistent are its concerned concepts such as honesty, strengthening body and soul, good qualities and the most important, overcoming the spirit of chivalry against it by following Imam Ali (PBUH) as primate of Iranian muslims. Hence in this article, it has been tried to introduce high moral concepts in heroic culture and its representatives namely heroes based on historical studies during ancient period and Islamic Iran era. This study in a descriptive-analytical manner and based on library studies has tried analyze the findings by a narrative and historical method. What has been obtained is recognition of the relationship of this culture with our concerned national and religious concepts especially the relationship between Iranian heroes with the leader of the Shiite world namely Imam Ali(PBUH) that made him a stable model for Iranian heroes. So, the most important finding of this study is that the rite of chivalry existed in Iran from ancient period, after the arrival of Islam in Iran has linke with Shiite religion specially with the distinguished personality Of Imam Ali(PBUH) who owned the uppermost characteristics of chivalry has developed in association with it and has expanded up to now.

Keywords

Hero, culture, religion, nationality, Ali(PBUH)

* Corresponding Author:Email: parvinhaqqi@gmail.com ; Tel:+989135512599